

سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۹
۲۰ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۴ آوریل ۲۰۲۰
شماره ۸۵ • ۲۹۴۱ صفحه

مقن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

سپند امیرسلیمانی مطرح کرد:

مقایسه « کامیون» با

«پایتخت۶» منطقی نیست

سپند امیرسلیمانی با اشاره به انتقاده‌ا از سریال «کامیون» درباره دیگر سریال‌های نوروزی مثل «پایتخت۶» بیان کرد که نباید چنین قیاسی بین سریال‌ها صورت بگیرد.

سپند امیرسلیمانی در شب‌های نوروز ۹۹ با سریال «کامیون» در شبکه دو دیده شد، درباره نحوه پیوستن به این مجموعه و ویژگی‌های این سریال به خبرنگاری مهر گفت: در گذشته چندین بار برای کارهای سینمایی آقای اطیابی دعوت به همکاری شده بودم اما درگیر کارهایی بودم که فرصت همکاری مهیا نمی‌شد. وقتی پیشنهاد بازی در سریال «کامیون» داده شد، بهترین زمان بود که طلسم این عدم همکاری شکسته شود. به این ترتیب کار را شروع کردم و شرایط خوبی حاکم بود تا اینکه ویروس کرونا در کشور همه‌گیر شد و مشکلاتی به وجود آمد.

وی ادامه داد: البته کار من تمام شده اما فکر می‌کنم بچه‌ها هنوز درگیر کار باشند که واقعا کار کردن در این وضعیت، شرایط خیلی سختی دارد. چراکه بالاخره باید مداوم در فیلمنامه تغییراتی ایجاد شود تا در محیط‌های در بسته، کمتر استفاده شود و افراد کمتری در صحنه باشند. اما به هر حال گروه «کامیون» خیلی تلاش کرد که شرایط کاملا بهداشتی باشد و کار انجام شود.

امیر سلیمانی همچنین درباره بازی در مجموعه کامیون توضیح داد: تاکنون نقش آدم‌های خل و چل را کمتر بازی کرده‌ام. صادقانه درباره بازی این نقش نیز باید بگویم که دلیل اصلی پذیرفتن این کار همان ماجرای همکاری با آقای اطیابی و شهرام دانش‌پور تهیه‌کننده بود که هر دو می‌خواستیم به وقوع بپیوندند و بیش‌تر درباره آن توضیح دادم. بازیگر سریال «کامیون» در ادامه تصریح کرد: به شخصه هیچ ایده‌ای نسبت به نقشی که قرار بود در مجموعه «کامیون» بازی کنم نداشتم. یعنی اصلا در ابتدا فیلمنامه‌ای وجود نداشت که ما بخواهیم به اینکه چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم فکر کنیم. من هم نمی‌دانستم که نقش یک سکانس، سه قسمت تا ۳۰ قسمت است و اصلا درباره آن اطلاعی نداشتم چون خود شهاب عباسی نویسنده سریال همای شامی کلی ما در نقش در ذهن داشت.

وی با اشاره به اینکه بخشی از نقش او در اتاق تست گرم‌بر آمده است، افزود: ما با امید گلزاده گرم‌برو سریال در مرحله تست گرم‌به به نتیجه مدل موهای خاص این شخصیت رسیدیم و همین مو خیلی باعث شد که در بازی ز آن استفاده کنم و نقشم وقتی کار شروع و نگارش آغاز شد، با مشورت و به تدریج شکل گرفت.

این بازیگر در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره مقایسه سریال‌های نوروز با «پایتخت۶» و انتقادا از سریال «کامیون» عنوان کرد: شاید آسان ترین جواب این باشد که وقتی ما در جمعی کنار دوست چند ساله هستیم، به دوستان تازه کمتر ارتباط برقرار می‌کنیم. «پایتخت» مجموعه‌ای است که ۱۰ سال در زندگی مردم حضور دارد و بقیه هرجایی قرار بگیرند، مثل آن دوست قدیمی در برابر دیگران، دوست تازه به شمار می‌آیند. این فارغ از آن است که این دوست، خوب، بد، بانمک یا بی‌نمک است. وی در پایان گفت: به طور کلی مردم یکی دو قسمت ابتدایی هر سریالی را نگاه می‌کنند تا براساس انتخاب کنند که می‌خواهند ادامه آن مجموعه را ببینند یا خیر. پایتخت قبل از اینکه شروع شود، برای دیده شدن یا نشدن انتخاب شده است. یعنی مردم در مواجه با این سریال می‌دانند که دلشان می‌خواهد آن را ببینند یا نبینند. آنها می‌دانند که با چه چیزی روبرو هستند. به همین خاطر احساس می‌کنم مقایسه یک کار قدیمی طولانی مدت با یک کار تازه اساسا کاری منطقی نیست. حال فارغ از اینکه این مقایسه، مقایسه درستی در برابر یا نه... از همان ابتدا، مقایسه کردنشان اشتباه است.

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمائزاده‌شمالی

پلاک ۲۶۰ واحد ۵

همه چیز درباره «اکران اینترنتی» در سینمای ایران؛

اوج گیری یا شکست؟



نقطه‌ای از جهان تواناند به جای سفارش فیلم دریافت نسخه دی‌وی‌دی آن، به‌صورت آنلاین فیلم درخواستی خود را از طریق تلویزیون، رایانه شخصی و یا حتی تلفن همراه به تماشا بنشینند و این شاید چیزی شبیه کالوس برای فیلمسازانی بود که زمانی می‌گفتند «مگر می‌توان لذت وسترن را جز روی پرده نقره‌ای بزرگ درک کرد؟»، اما حکم تحقق یک رویا را برای نوجوانان و جوانان عصر اینترنت داشت!؛ خیلی زود کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی برای راه‌اندازی سرویس‌های مشابه وسوسه شدند، برندهای قدیمی‌تر جان دوباره گرفتند، شبکه‌های تلویزیونی وارد میدان رقابت شدند و اینگونه صنعت سینمای جهان بیشتر و بیشتر به سمت «خانگی شدن» سوق پیدا کرد.

اکران اینترنتی: تجربه ایرانی

«ما پیشگامان این مسیر در سینمای ایران محسوب می‌شویم.» اگر مالک را ارتباط با مخاطبان عام در نظر بگیریم و دایره اثر را هم به فیلم‌های داستانی محدود کنیم، این اظهارنظر ابراهیم حاتم‌کیا درباره پیشگامی «خروج» در زمینه تجربه «اکران اینترنتی» در ایران گزاره صحیحی است؛ اما واقعیت این است که علاقمندان فیلم‌های کوتاه و مستند چند سالی می‌شود که از طریق چند سایت تخصصی، با خریداری بلیت به تماشای آنلاین فیلم‌های منتخب خود می‌نشینند.

جدی‌ترین تجربه و شاید مطرح‌ترین آن‌ها در فضای رسانه‌ای هم مربوط به نمایش مستند «توران خانم» به کارگردانی مشترک رخشان بنی‌اعتماد و مجتبی میرتھاسب بود؛ مستندی که از ۲۶ خردادماه سال ۹۷ ابتدا برای ۴۸ ساعت در دسترس علاقمندان قرار گرفت و استقبال از نمایش اینترنتی آن به اندازه‌ای بود که تا چند روز زبیر تمدید شد. بلیت‌فروشی برای این مستند حتی از طریق سایت «سینما تیکت» صورت گرفت و مخاطبان بعد از خریداری بلیت کدی را دریافت می‌کردند که با استفاده از آن می‌توانستند در فاصله زمانی ۷ ساعت، برای یک بار به تماشای آنلاین فیلم بنشینند.

افتاحیه اکران اینترنتی مستند «توران خانم»

دو ماه بعد و زمانی که این مستند برای دومین بار آماده عرضه در قالب اکران اینترنتی می‌شد، مجتبی میرتھاسب گزارش کرد که در نوبت اول و در فاصله یک هفته نمایش آن لاین، برای این مستند در مجموع ۱۳ هزار و ۳۰۵ بلیت در داخل و خارج به فروش رفت. در کنار این تجربه شاخص و علاقه‌مندان اخیر سایت‌های تخصصی مانند «هاشور» هم در حوزه عرضه فیلم‌های کوتاه و مستند فعالیت مستمری داشته‌اند که بنابر گزارش صبح امروز مرکز گسترش سینمای تجربی در روزهای قرطیه، مراجعه مخاطبان برای تماشای مستند به این سایت ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.

خروج: چالش‌های ورود به دوران تازه؟

پست الکترونیک:

info@emtiazdaily.ir

تلفن: ۶۶۰۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

مدعی آن هستند این است که به شکل حرفه‌ای مطلقا امکان دانلود یا کپی کردن فیلم‌ها وجود ندارد، مگر اینکه از روی تصویر، تصویر دیگری گرفته شود که طبیعتا آنقدر کیفیت پایین و نازل است که هیچ مخاطب عاقلی چنین فیلمی را نمی‌بیند. ضمن اینکه فیلم اکران شده در دسترس است و تجربه چند وقت اخیر هم نشان داده چند فیلمی که نسخه پرده‌ای آن بیرون آمد هیچ التهابی را به وجود نیاورد و اصلا مورد استقبال قرار نگرفت به طوری که ما حتی آن را به عنوان یک سرقت هنری هم نگاه نکردیم چون الان دیگر مدل تصویربرداری از پرده و فیلم جواب نمی‌دهد و مردم کالای مرغوب می‌خواهند.»

مخالفان چه می‌گویند؟

فارغ از مسائل مربوط به امنیت دریافتن عرضه فیلم‌ها در اینترنت اما فراگیرشدن اقبال سینماگران به «اکران اینترنتی» همچنان مخالفانی جدی دارد.

گروهی از مخالفان که بیشتر نگاه کلاسیک به آداب فیلم دیدن دارند، هنوز از منظر اصالت «تماشای فیلم در سالن تاریک سینما»، به مخالفت با اکران اینترنتی می‌پردازند و معتقدند محصول سینمایی از نظر ساختار و قالب اساساً ماهیتی متفاوت با یک اثر تلویزیونی دارد و به همین دلیل هم «اکران

اینترنتی» نمی‌تواند آلترناتیو «اکران در سینما» باشد. از همین منظر هم احتمالا عوامل فیلم «خروج» در اولین خیزر مرتبط با عرضه اینترنتی این فیلم، ابراز امیدواری کرده‌اند تا پس از پایان بحران کرونا، فرصت تماشای فیلم در سالن سینما هم فراهم شود؛ فرصتی که البته به نظر می‌رسد «سینماداران» به‌شدت با آن مخالف هستند.

محمداقصاد اشرفی رئیس انجمن سینماداران از این زمینه به خبرنگاری مهر گفت: «صاحبان آثار سینمایی مجاز هستند که فیلم‌های خود را به هر نحوی که تمایل دارند در اختیار مخاطبان سینما قرار دهند، اما فیلمی که در فضای مجازی و یا شبکه نمایش خانگی ارائه شده باشد، قطعا در آینده در سینماها اکران عمومی نخواهد شد.»

گروه دیگر از مخالفان اکران اینترنتی هم نبود زیرساخت‌های مناسب ورود به این میدان را چالش جدی پیش روی سینمای ایران برای قبول این ریسک می‌دانند. زیرساخت‌هایی که بخشی از آن ناظر به همان مباحث مرتبط با «امنیت عرضه» است و بخش جدی‌تر آن متوجه نبود سازوکار اقتصادی تعریف‌شده و شفاف مبتنی بر تضمین سود صاحبان آثار برای قبول این ریسک می‌رسد.

با تمام این تفسیرات تا ساعتی دیگر سینمای ایران با «خروج» وارد میدان تازه‌ای می‌شود. مدیانی که از میان فیلم‌های اکران‌نشده جشنواره گذشته فیلم فجر تا به امروز تنها یک فیلم دیگر یعنی «مردن در آب مطهر» به کارگردانی نوید محمودی برای ورود به آن اعلام آمادگی کرده و در مقابل «خوب بد جلف ۲» به کارگردانی پیمان قاسم‌خانی تلویحا با آن مخالفت کرده است. درباره سلیقه و نظر دیگر صاحبان آثار هم احتمالا در آینده بیشتر خواهیم شنید.

واقعیت این است که «کرونا» در کنار تمام تحولاتی که در ابعاد مختلف زندگی ما رقم زده، سینمای ایران را ناگزیر از تن دادن به این ریسک کرده است. ریسکی که توفیق در آن می‌تواند در حکم هوایی تازه برای گروه‌هایی از مخاطبان فراموش‌شده سینمای ایران باشد و ناکامی‌اش می‌تواند برای چند سال دیگر میان معادلات سینمای ایران و تجربه‌های جهانی فاصله ایجاد کند.

یک فنبان جای داغ

آغاز و پایان شگفت‌انگیز یک «دوپینگ»

وقتی «قصه» فدای «ایده» می‌شود!

عطیه موذن

سریال «دوپینگ» به همان اندازه که آغاز غیرمنتظره به دلیل انتخاب سوزهای متفاوت داشت، با یک پایان‌بندی غیراصولی و تا حدودی مبتذل دست به یک خودزنی غیرمنتظره زد!

سریال‌های نوروزی، امسال می‌توانست برگ برنده مهم تلویزیون برای به دست آوردن اعتماد و جذب مخاطبان در روزهای قرنطینه اجباری باشد. مخاطبانی که معمولاً گفته می‌شد در ایام نوروز به‌واسطه تعدد سفرها و دید و بازدیدها فرصتشان برای تماشای ویرتینر سیما حداقلی بوده اما حالا این فرصت و بخت با تلویزیون یار بود که در روزهای کرونایی، مخاطبان خانه‌نشین را با خود همراه کند.

اما سازندگان سریال‌ها و برنامه‌های نوروزی نتوانستند آنطور که انتظار می‌رفت از این فرصت طلایی بهره ببرند؛ به‌خصوص آن‌ها که برای اولین‌بار وارد میدان سریال سازی شده بودند و انتظار می‌رفت با نیرو و اشتیاق مضاعف اتفاقاتی تازه را رقم بزنند!

سریال «دوپینگ» از جمله همین محصولات بود که اگرچه شروع و ایده‌ای متفاوت در طراحی داستان داشت اما در ادامه مشخص شد چیزی فراتر از ایده اولیه در چنته ندارد و همین اولین تجربه سریال‌سازی رضا مقصودی را به یک ناکامی تمام عیار تبدیل کرد.

در این گزارش با مروری بر نقاط ضعف و قوت سریال به این نکته می‌پردازیم که چرا «دوپینگ» نتوانست ایده موفق خود را تبدیل به یک سریال موفق کند و حتی با پایان‌بندی عجیب و غیرقابل قبولش مخاطبانش را ناامید کرد.

قصه سریال: همه چیز در خدمت یک «ایده»

«دوپینگ» همانطور که از نامش هم برمی‌آید ماجرای دوپینگ کردن‌هایی است که می‌تواند موجب قدرت کاذب شود؛ اینچا دوپینگ‌کنندگان، دختر و پسری از دو خانواده سابقاً همسایه هستند که بواسطه مصرف قرص‌هایی نوعی قدرت مافوق انسانی به دست می‌آورند. قدرتی که برای کارمان با بازی نیما شعبان‌نژاد به مهارتی فیزیکی و جسمانی برای شیوا با بازی الناز حبیبی به قدرت بیانی و نفوذ کلام تبدیل می‌شد. ایده خوردن این قرص‌ها و قدرتی که پدید می‌آورد، اگرچه ایده جدیدی نبود و پیش‌تر هم در فیلم‌ها و به‌خصوص انیمیشن‌ها بخشی از ایده‌های مشابه در خلق مهارت‌های اقل‌العاده و کارهای قهرمانانه برای کاراکترها را شاهد بودیم، با این حال در مختصات سریال‌سازی در تلویزیون، این انتخاب اتفاق نویی در قصه‌پردازی محسوب می‌شد که ابتدا موقعیت‌های جالبی را هم رقم زد. مثل ماجرای کشف نفوذ کلام شیوا که باعث شد همکلاسی‌اش با جمله «برو خودت رو بشو…» خودش را جلوی یک ماشین پرت کرد و با دیگر موقعیت‌هایی که همه در برابر او به «چشم گفتن» بسنده می‌کردند و حتی درم می‌آمدند.

این موقعیت‌ها برای کارمان که علاقه به پلیس شدن و کارهای ماجراجویانه داشت به نوعی دیگر خلق شد و بیشتر فضاهایی برای قدرت نامیای او به‌وجود می‌آورد که از انسان تا شبکه نفت و پخیال و ماشین را بلند می‌کرد. این موقعیت‌ها و ارتباط شخصیت‌ها و فضای تازه‌ای که در قصه‌ها شکل گرفت توانست مخاطب را در چند قسمت اول جذب و برای همراهی مجاب کند.

با این حال قصه سریال در ادامه وارد یک فضای روتین شد تا جایی که تکرار مکرر ایده اصلی دیگر کشش چندانی برای خلق موقعیت‌های تازه نداشت؛ تا اینجا به بد تنها تعلیق پایان‌بندی و «چه خواهد شد» بهانه همراهی مخاطبان بود.

این ایده می‌توانست با استفاده از قدرت فیزیکی کارمان و نفوذ کلام شیوا فضایی پر از موقعیت‌های متنوع و متضاد فانتزی را در بستر یک سریال کم‌دی رقم بزند درحالی‌که این ابزار برای شیوا بیشتر به موقعیتی تکراری و ملودرام در دزدی از طلافروشی‌ها و پولدارها و برای کارمان عشق پلیس نهایتاً به ضرب شستن شدن دادن به چند نفر منتهی می‌شود.

مقصودی عملاً نتوانست با بسط این ایده راه به جایی برد و مهمترین دلایلش هم این بود که به دور از هر خلاقیت و قصه پردازی ایده اش را به تصویر کشید.

ترکیب بازیگران: تنها برگ برنده

حالا دیگر با قطبیت می‌توان گفت ترکیب بازیگران مهمترین برگ برنده «دوپینگ» بود؛ بازیگرانی که البته ترکیبی از آن‌ها اگر چه پیش از این در سریال شبکه نمایش خانگی «هیولا» به کارگردانی مهران مدیری دیده شده بودند اما باز هم حضورشان در این سریال تلویزیونی و در کنار دیگر بازیگران تازه به نظر می‌رسید.

بازیگری که در این ترکیب موفق‌تر ظاهر شد و به دلیل موفقیت‌های پیشین او در سینما حضورش یک امتیاز برای سریال محسوب می‌شد هادی حجازی‌فر بود. حجازی‌فر که البته پیش‌تر تجربه کارگردانی و بازیگری در مجموعه‌های طنز تلویزیونی را داشت، با ایفای نقش در فیلم سینمایی «بستاده در غبار» به‌صورت جدی داند به تبدیل به یک چهره سینمایی شد. پس از این شهرت سینمایی نقش حسن تقریباً اولین حضور پررنگ او در یک سریال تلویزیونی محسوب می‌شود که فارغ از ناکامی کلیت سریال، برای او تجربه موغفی را رقم زد. به خصوص که ترکیب او با مینا جعفرزاده که نقش مادرش را بازی کرد و پس از چند سال با این نقش در برابر مخاطب ظاهر شد سکانس‌های ویژه و دلچسپی را در مجموعه به ثبت رساند.

بازی شبنم مقدمی و نیما شعبان‌نژاد و محمد بحرانی اگرچه پیش از این نقش و فضایی تقریباً مشابه را در سریال «هیولا» تجربه کرده بودند اما باز هم از نقاط قوت سریال محسوب شدند. به ویژه که شبنم مقدمی و نیما شعبان‌نژاد از نقش‌های مشابه کمی بیشتر فاصله گرفتند. حتی در این ترکیب الناز حبیبی و علیرضا آرا که او را بیشتر در نقش‌های جدی در تلویزیون دیده بودیم نیز به خوبی ظاهر شدند.

یک ارزش افزوده: استفاده درست از پایتخت

تجربه پرداختن به اقوام در سریال‌های طنز همچون «پایتخت» و «تون‌خ» به طور کلی فرایندی مثبت را تا به امروز برای رسانه ملی به همراه داشته است و نشان داده که هم مخاطب کشوری و هم خود این اقوام در کنار همه حواشی خوب و بد از سریال‌ها و دیده شدن آدم‌های غیر پایتخت‌نشین استقبال می‌کنند. در سریال «دوپینگ» هم یکی از نقاط قوت را این توان همان صحنه‌های کوتاهی دانست که حسن و مادرش به زبان ترکی با یکدیگر حرف می‌زنند. دیالوگ‌های که در مواقع حسی، تلخی یا عصبی بر زبان آورده می‌شد و برای مخاطب به صورت زیرنویس ترجمه می‌شد و اتفاقاً موقعیت‌های شیرین و جذابی را رقم می‌زد.

موضوعی که چند بار در مکالمه این سه نفر مطرح شد رد کردن ایده زبان و کلمات به عنوان کپی واقعیت و همچنین علاقه نسبت به حرکت به سمت الفبای تصویری بود که بیشتر شبیه به نقاشی خواهد بود. گدار گفت: «من دیگر آن قدر به بیان باور ندارم، به نظرم مشکل اصلی الفبا است. حرف‌های بسیاری وجود دارد، باید خیلی از آن‌ها را حذف کنیم و به سمت چیز دیگری حرکت کنیم که کاری است که نقاش‌ها همیشه انجام داده‌اند.» این کارگردان همچنین درباره سینما گفت: سینم به ما اجازه می‌دهد کمی انعطاف‌پذیرتر باشیم و اجازه ترکیب کردن رویکردهای علمی و هنری با هم را می‌دهد.

او گفت خوشحال است که توانست سینما را به عنوان «آنتی‌بیوتیکی برای کلمات» کشف کنددر نهایت، گدار همچنین درباره پروژه بعدی خود صحبت کرد که با توجه به تمام مدادها و قطعه‌های کاغذی که در مراسم اتاق نشیمن او دیده می‌شد، به نظر می‌رسید در مرحله پیش‌رفته‌ای باشد. فیلم جدید او که به گفته خودش «تصور می‌کند ملکه سبا از لپرای باستیل باشد» شامل موسیقی‌های معرفی از آهنگسازان قدیمی از جمله «بیزه» می‌شود و در

گدار ویروسی که بحران سلامت جهانی این روزها را به وجود آورده با گسترش اطلاعات مقایسه کرد و در توضیح گفت که ویروس نسبت به ارتباط است و نیازمند فرد دیگری است. وقتی شما هم در رسانه‌های اجتماعی پیغامی می‌فرستید، نیازمند فرد دیگری هستید تا بتوانید وارد خانه او بشوید. ایده بازگشت در ارتباطات به زودی او را به موضوع زبان رساند که یکی از تم‌های موضوعی محبوب این کارگردان در فیلم «خداحافظی با زبان» است. از نظر گدار، زبان «ترکیبی از سخن‌تصاویر» است، و او از این نکته نراحت است که در سخن خبرنگاران و سیاستمداران، کمبود تصاویر دیده می‌شود.استفاده از زبان همیشه موضوعی جالب برای این کارگردان بوده که می‌گوید وقتی حدود ۱۵ سال داشت حدود یک تا ۲ سال دست از سخن گفتن برداشت و این امر خیلی هم باعث ترسیدن خانواده‌اش شد. او این کار را به بعد این کرد که «تحقیقات درباره طبیعت و عملکردهای زبان» اثر بریس پارین را خواند اما خوشبختانه صحبت نکردن او خیلی طولانی دوام نیاورد و او از آن به بعد سعی کرد از ذهنش نوسندگان خوب استفاده کند که به‌دش بیان چیزی فراتر از سخنان رایج است.

موضوعی که چند بار در مکالمه این سه نفر مطرح شد رد کردن ایده زبان و کلمات به عنوان کپی واقعیت و همچنین علاقه نسبت به حرکت به سمت الفبای تصویری بود که بیشتر شبیه به نقاشی خواهد بود. گدار گفت: «من دیگر آن قدر به بیان باور ندارم، به نظرم مشکل اصلی الفبا است. حرف‌های بسیاری وجود دارد، باید خیلی از آن‌ها را حذف کنیم و به سمت چیز دیگری حرکت کنیم که کاری است که نقاش‌ها همیشه انجام داده‌اند.» این کارگردان همچنین درباره سینما گفت: سینم به ما اجازه می‌دهد کمی انعطاف‌پذیرتر باشیم و اجازه ترکیب کردن رویکردهای علمی و هنری با هم را می‌دهد.

او گفت خوشحال است که توانست سینما را به عنوان «آنتی‌بیوتیکی برای کلمات» کشف کنددر نهایت، گدار همچنین درباره پروژه بعدی خود صحبت کرد که با توجه به تمام مدادها و قطعه‌های کاغذی که در مراسم اتاق نشیمن او دیده می‌شد، به نظر می‌رسید در مرحله پیش‌رفته‌ای باشد. فیلم جدید او که به گفته خودش «تصور می‌کند ملکه سبا از لپرای باستیل باشد» شامل موسیقی‌های معرفی از آهنگسازان قدیمی از جمله «بیزه» می‌شود و در

عین حال از موسیقی ساخته شده برای خود فیلم هم استفاده می‌کند. این

کار می‌است که کارگردان سال‌هاست انجام نداده بود.

(نوبت اول)

آگهی مناقصه خرید مقوای ۱۰۰×۷۰/۲۵۰ گرمی
سفید گلاسه مرغوب به مقدار ۰۰۰/۰۰/۱ برگ
ومقوای ۱۰۰×۷۰/۲۳۰ گرمی سفید کارتی مرغوب به مقدار ۰۰۰/۰۰/۱ برگ
بشماره فراخوان: ۰۶۵۰۰۰۰۰۲۰۹۹۹۰۱۰

شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران در نظر دارد خرید مقوای ۱۰۰×۷۰/۲۵۰ گرمی سفید گلاسه مرغوب به مقدار ۰۰۰/۰۰/۱ برگ ومقوای ۱۰۰×۷۰/۲۳۰ گرمی سفید کارتی مرغوب به مقدار ۰۰۰/۰۰/۱ برگ را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا شرکت کندگان در مناقصه باید ابتدا اسناد مناقصه را از تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۴ تا ساعت ۹ مورخ ۱۳۹۷/۱/۳۰ از طریق سامانه دولت دریافت و پس از درج پیشنهاد قیمت و مستندات در سامانه مذکور، پاکت «الف»، «ب» و «ج» را بصورت فیزیکی تا ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۲/۹ به دبیرخانه شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران تحویل و رسید دریافت نمایند. (بدیهی است دریافت اسناد مناقصه پس از مهلت قید شده مقدور نمیباشد.) ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰۰۰/۰۰/۰۰۰/۲ ریال میباشد که میبایست با ارانه اصل ضمانتنامه بانکی در پاکت «الف» ارسال گردد.

کلیه مر احول برگز آری مناقصه شامل در یافت اسناد مناقصه تا ار انه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و باز گشایی پاکت از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام میشود و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مر احول ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه متقن سازند.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مر احول عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۹۱۳۴۴۴۱۰۳۴۴ دفتر ثبت نام:۰۸۸۹۶۹۷۳۷۷ نام:۰۸۵۱۹۳۶۷۸ زمان باز گشایی پاکت ساعت:۰۹:۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ:۱۳۹۷/۲/۱ در اتاق کمیسیون معاملات شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران میباشد. ضمناً هزینه چاپ آگهی بعهدہ بر نده مناقصه میباشد.

آدرس: تهران، میدان امام حسین (ع)، خیابان اقبال لاهوری، جنب پارک خیام، پلاک ۲۹
کدپستی: ۱۴۷۴۴۱۵۳ تلفن: ۰۲۹۰۹۷۹۳۳۴

۸۲/م الف
شرکت سهامی چاپخانه دولتی ایران